

**رابطه کشف و پرورش استعداد و علاقه با پیروزی**



**نویسنده: داریوش دهقان**

**منتشر شده در:**

**مجله موفقیت شماره ۸۷**

**دسامبر ۲۰۰۵**

عملکرد متفاوت افراد مختلف در محیط کار را همه تجربه کرده ایم. دیده ایم که گروهی از آنها خوشروانه آماده پاسخ گویی و کمک کردن به مراجعانند، نشان خستگی در چهره شان دیده نمی شود و شادمانه وظیفه خود را انجام می دهند. بررسی بیشتر موید آنست که این گروه معمولاً بر مهارت های حرفه ای خویش می افزایند، به رضایت مراجعان ارزش می دهند و به بازرسی و ناظر هم احتیاجی ندارند. خدمات این گروه اغلب موثر و آثار و محصولاتشان ارزشمند، کارآمد و دیرپاست. در بیشتر موارد نوآوری و ابتکار این افراد موجب بالا رفتن کیفیت خدمات یا ایجاد تکنولوژی برتر در زمینه کارشان می شود. معمولاً درخشان ترین و محبوب ترین چهره های اجتماعی از میان این گروه بر می خیزند. از طرف دیگر جمع کثیری برخلاف این گروه رفتار می کنند. گویی با نگرانی به محل کار کشانده شده و به بردگی مدرن واداشته شده اند. آنها جز به راههای فرار از کار به چیز دیگری نمی اندیشند. اگر حداقل حرکتی هم می کنند انگیزه اصلیشان دریافت ماهیانه ای می باشد تا با آن امرار معاش کنند. با آنکه نگهداری این افراد برای کارفرمایان گرانتر از گروه اول تمام می شود، کمترین بازدهی را دارند و باعث بیشترین نارضایتی های آشکار و پنهان مراجعان و مسئولان سازمانی می شوند.

تفاوت دو گروه تنها به آنچه گفته شد ختم نمی شود. خوشرفتاری و عملکرد گروه اول به ایجاد رضایت، اطمینان، احترام و دوستی در میان ایشان و مراجعان آنها می انجامد و این کنش و واکنش به طور غیر مستقیم بر روابط خانوادگی همه این افراد نیز اثر مطلوب بجای می گذارد.

خلاف این موضوع نیز در مورد گروه دوم صادق است. آنها نه تنها مراجعان، همکاران و مدیران خشنودی ندارند بلکه خود نیز از کار و رفتار خودشان راضی نیستند. این عدم رضایت فردی بر روابط خانوادگی ایشان نیز اثر ناخوش آیند بجای می گذارد. نگرانی، افسردگی و امراض روانی مختلف و گاهی عارضه های قلبی کشنده از این عدم رضایت سرچشمه می گیرد.

طبق آمار منتشره در آمریکا "بیشترین سکنه ها در این کشور صبح روز دوشنبه اتفاق می افتد." یعنی درست وقتی که بعد از دو روز تعطیلی افراد خود را مجبور می بینند که دوباره به کاری باز گردند که آن را دوست ندارند! اگر شما نیز باورداشته باشید که بشر تنها برای امرار معاش زیست نمی کند و به نیازهای والاتر دیگری از جمله احترام به خود و خود شکوفایی و تعالی نیز نیازمند است، تفاوت های چشم گیر این دو گروه شما را وادار می کند تا کنجکاوانه سئوالات زیر را از خود بپرسید.

عامل این تفاوتها چیست؟ افراد گروه دوم چگونه می توانند شاد و مثرتر بوده، خوشرفتار شوند و فرصت درخشش داشته باشند؟

با کاوش عمیق تر و جستجوی بیشتری در خواهید یافت که افراد گروه اول به کاری مشغولند که در آن استعداد داشته، به آن علاقه مند بوده و برایش آموزش دیده اند. تجربیات عینی فراوانی نیز حاکی بر اینست که گزینش کار برحسب استعداد و علاقه و آموزش دادن براساس ایندو عامل، حداقل سبب خوشنودی فرد و خدمت موثر به مردم می شود و اگر گسترش یابد و همه گیر شود، بالقوه می تواند سلامت و پیشرفت جامعه را که همه مصلحان خواستار آنند، در پی داشته باشد. این واقعیتی انکار نکردنی است که انسان در هیچ کاری پیشرو و صاحب نام نمی شود مگر اینکه آن کار با استعداد و علاقه و شور و شوق او همخوانی داشته باشد. استعداد و علاقه مردم نیز همچون اثر انگشتان آنها با هم تفاوت دارد. به عبارت دیگر هر انسانی دارای توانایی های برجسته ویژه ای می باشد که او را از انسان های دیگر متمایز می سازد، همچنین احساس دلبستگی هر فرد نسبت به چیزها، کارها و

کسان، با دیگر افراد متفاوت است. بنابراین انسان ها تنها زمانی می توانند توانایی های خود را به نمایش بگذارند و فرصت درخشش داشته باشند که به حرفه ای بپردازند که به آن علاقه مند بوده، در آن استعداد داشته و برایش آموزش دیده باشند.

دقت بیشتر به مطالب بالا و توجه مجدد به رضایت فردی، تمرینهای اجتماعی، حسن رابطه و رفتار انسانی گروه اول از يك طرف و خوشنودی مراجعان این گروه و اثرات با لقوه اجتماعی به کارگیری استعدادها و علاقه ها از طرف دیگر، شما را متقاعد می سازد که استعداد و علاقه در دستیابی افراد به پیروزی نقشی شگرف دارد. براین اساس می پذیرید که **شناختن و پرورش دادن استعدادها و علایق چهارمین راز پیروزی انسان می باشد.**

شناخت و پرورش استعداد ها آنقدر مهم و اساسی می باشد که بعضی ها معتقدند معنی زندگی آشکار ساختن این گوهرها و هدف آن پرورش دادن و به کارگرفتن آنهاست. یکی از امتیازات و شادی های بزرگ جامعه بشری آگاهی از این حقیقت است که فرد فرد افرادش از توانایی های ویژه ای برخوردارند و یکی از نشانه های جامعه پیشرو، فراهم ساختن فرصت ها و امکانات لازم برای کشف و پرورش و به کارگیری این توانایی ها می باشد. گوناگونی این استعدادها جامعه راغنی و افراد را بهم وابسته تر می کند و از این دیدگاه نیز ارزش فرد را در جامعه افزایش می دهد. پذیرش این مطالب به این پرسش می انجامد که چگونه می توان استعدادها و علایق را آشکار ساخت.

آشکار سازی استعداد ها و علاقه ها با استفاده از راه و روشهای زیر مقدور می باشد:

- استفاده از یافته های معلمان و مشاوران در دوران تحصیل. ( اگر چنین خدماتی موجود باشد)
- مراجعه به مشاهدات افراد خانواده و دوستان نزدیک در رابطه با شما و کارهای دلخواهتان.
- ارزیابی از خود با بررسی و مطالعه کارهایی که از کودکی تا کنون با علاقه و توانایی انجام داده اید و از انجامشان شاد شده اید.

- شرکت درآزمون های سازمان ها و مراکز مشاوره و متخصص دراین زمینه.

برای تشخیص درست استعدادها و علاقه ها بهترست روش های متعدد به کار گرفته و حاصل آنها را با هم بسنجید. کلید اصلی کشف استعداد ها و علاقه ها در توجه کردن به کارهایی است که در طول سالهای زندگی شما استمرار داشته، تکرار شده و برایتان شادی آور بوده اند.

آشکار سازی استعداد ها و علاقه ها و پرورش و به کارگرفتنشان بزرگترین هدیه ایست که هر فرد به خود یا جامعه به او می دهد. این کار مستلزم صرف وقت و هزینه می باشد اما سودی که از کشف و پرورش آنها به فرد و جامعه می رسد آنقدر بزرگست که وقت و هزینه صرف شده با آن قابل مقایسه نمی باشد. کشف و پرورش این استعدادها و گزینش حرفه براساس آنها مثل تولدی دوباره است.

از آنجا که قسمت اعظم عمر انسان با کار کردن طی می شود، منطقی، شایسته و ثمربخش است که به کاری بپردازد که از آن لذت می برد و برایش معنی دارست. چون در غیر این صورت روزهای زندگی را با نگرانی یا بی خبری، در انتظار رسیدن دوران بازنشستگی و پایان عمر به باد می دهد! و

در نتیجه خود را از درخشش برخاسته از ابتکار، نوآوری و سودمند بودن و جامعه را از حاصل خود شکوفایی و تعالی خویش محروم می سازد.

آری، کار معنی دار، کاریست که براساس استعداد و علاقه و آموزش برگزیده شده باشد. تنها در این شرایط است که فرد از فرصت خدمت کردن استفاده می کند تا به جای نشان دادن قیافه عبوس و خسته و دست به سر کردن مراجعان، شخصیت، توانایی، هنر، مهارت و سلیقه و ابتکار خود را درهم آمیزد و از مجموعه آنها کارش را مانند یک تابلو نقاشی زیبا و ارزشمند به مردم تقدیم کند. خواننده آگاه و آینده نگر این مطالب، نه تنها تلاش خواهد کرد که این دانسته ها را در مورد خود به کارگیرد بلکه به عنوان یک شهروند متعهد، مصرانه از موسسات آموزشی و هر مقام موثر کشوری خواهدخواست که کشف و پرورش استعداد ها و علاقه های فرزندان کشور را سرلوحه کار خود قرار دهند.